

مدیریت ورزشی - پاییز ۱۳۹۹
دوره ۱۲، شماره ۳، ص: ۸۱۷- ۷۸۹
تاریخ دریافت: ۹۷ / ۱۱ / ۰۶
تاریخ پذیرش: ۹۸ / ۱۰ / ۰۴

طراحی مدل ورزش شهروندی در کلانشهر تهران با استفاده از نظریه داده‌بنیاد

میثم اللهمرادی^۱ - سیدمحمدحسین رضوی^{۲*} - مرتضی دوستی پاشاکلایی^۳
۱. دکتری، گروه مدیریت ورزشی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران ۲. دانشیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

چکیده

هدف این پژوهش طراحی مدل ورزش شهروندی در کلانشهر تهران است. تحقیق حاضر از نظر هدف، بنیادی است که با روش کیفی در دو مرحله اجرا شد. در مرحله اول با استفاده از راهبرد داده‌بنیاد با ۲۵ نفر از خبرگان مصاحبه عمیق صورت گرفت و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش چارمز بهره گرفته شده و مدل اولیه استخراج شد. در مرحله دوم، مدل برآمده از مرحله قبل در سه مرحله در اختیار کارگروه دلفی متشکل از شش خبره مدیریت ورزشی جهت اصلاح و تأیید نهایی گذاشته شد. نتایج نشان داد که سیاست‌گذاری کلان، الزامات توسعه‌بخش، وظایف سازمان متولی ورزش شهروندی، شهر ورزشی، مدیریت واحد شهری و در نهایت محیط کلانشهری تهران عوامل تأثیرگذار بر ورزش شهروندی هستند. بنابراین به نظر می‌رسد که دولتمردان، سیاست‌گذاران و مدیریت شهری با درک مفهوم واقعی ورزش شهروندی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، براساس مدل پژوهش حاضر، می‌توانند به منظور فراهم‌سازی بستر مشارکت حداکثری شهروندان، با فرهنگ‌سازی و تبلیغات رسانه‌ای مناسب، ضمن افزایش سلامتی و نشاط اجتماعی، پایه‌های اقتصاد و رفاه شهری را تقویت کرده و کلانشهر تهران را به شهر ورزشی شناخته‌شده‌ای در منطقه تبدیل کنند.

واژه‌های کلیدی

روش دلفی، رویکرد ساخت‌گرایانه، شهروندی، نظریه داده‌بنیاد، ورزش.

مقدمه

با وجود رشد و توسعه شهرنشینی مدرن همراه با تراکم جمعیت هجوم آورنده به کلانشهرها، در مناطق مختلف شهری که خود چالش‌های عدیده‌ای را برای دولت‌ها به دنبال داشته، با این حال، اهمیت وجود فضاهای ورزشی کافی برای افزایش مؤلفه‌های نشاط و سلامت شهروندان، به صورت دوچندان بروز یافته است که متأسفانه به دلیل کاهش اعتبارات تخصیص یافته در حوزه ورزش همواره این بخش، مورد غفلت واقع می‌شود (۱).

حق مشارکت در ورزش و سایر فعالیت‌های تفریحی و فراغتی به سیاست مهمی در بسیاری از کشورهای پردرآمد اروپا تبدیل شده است و در آنجا به عنوان ورزش همگانی شناخته می‌شود. پیاده‌سازی چنین سیاستی در سال‌های اخیر بسیار اهمیت یافته است، چون به فعالیت‌های فیزیکی به عنوان عامل کمک‌کننده به کاهش هزینه‌های حفظ سلامت و مبارزه با چاقی نگریسته می‌شود. حداکثر دستیابی به این هدف در کشورهای اسکاندیناوی بوده و در کشورهای پردرآمد نرخ مشارکت زنان و معلولان در ورزش افزایش یافته است (۲).

گشوان (۲۰۱۴) شهروندی^۲ را حالتی می‌داند که در آن یک فرد به عنوان عضوی از جامعه در تصمیمات جمعی که زندگی اجتماعی را تنظیم می‌کند، مشارکت فعال دارد. این تعریف نشان می‌دهد که شهروندی مسئله‌ای عمومی است؛ این تعریف شهروندی نه فرازمانی است و نه جهانی. شهروندی نیازمند مشارکت دموکراتیک در دولت است که شهروندان را از یک شخص حکومتی که فاقد مسئولیت سیاسی رسمی است، متمایز می‌کند. مفاهیم کنونی شهروندی متفاوت و اغلب متناقض اند، اگرچه معمولاً با وضعیت قانونی یک شخص به عنوان عضوی از یک دولت ملی، با حقوق و مسئولیت‌های مرتبط آغاز می‌شوند. در درجه نخست، این حقوق شامل حق رأی در انتخابات دولتی است. در حالی که رأی‌گیری مانند مشارکت مستقیم نیست، اما به این منظور تعیین شده است که به هر شهروند حق کم و بیش یکسان برای هدایت دولت بدهد. اگر دقیق‌تر به معنای مشارکت در «تصمیمات جمعی» نگاه کنیم، ممکن است نتیجه بگیریم که امکان انتخاب از میان چندین کاندیدا یا انتخاب نامطلوب بالقوه چندان هم کافی به نظر نمی‌رسد. ممکن است ما در پی تعریف وسیع‌تر از شهروندی باشیم که به طور مشخص ندایی را در هدایت دولت فعال کند (۴).

-
1. Gischwan
 2. Gtizen

در کشور ما مردم در جوامع مختلف محلی، به دلیل وجود عوامل بازدارنده مختلف در استفاده آنها از امکانات ورزشی، با مشکل جدی عدم بی‌حرکی مواجه‌اند. در بسیاری از کشورهای جهان، برنامه‌ریزی دولت‌ها در جهت بهینه‌سازی و برنامه‌ریزی اوقات فراغت در جهت ایجاد تحرک و فعالیت ورزشی و مشارکت افراد در ورزش‌های شهروندی و همگانی صورت می‌گیرد. محققان زیادی در مورد ورزش تفریحی اوقات فراغت، انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها و رضایت‌مندی تحقیق کرده‌اند و تلاش همه آنها برای نیل به یک هدف بوده است و آن هدف، بهبود کیفیت زندگی است که در واقع اصلی‌ترین هدف در مدیریت شهری محسوب می‌شود (۳). با توجه به نکات مذکور، ابتدا لازم است به تعریفی از شهروندی اشاره شود:

شهروندی، مشارکت و حفاظت از فرایندهایی است که به‌منظور پایداری حقوق شهروندان در جامعه مدنی شکل گرفته‌اند. پس عناصر شهروندی را می‌توان شامل مواردی همچون حقوق، وظایف، مشارکت و هویت دانست (۵). با ظهور مفهوم مدیریت شهری (۱۹۷۶) بنابر الزاماتی که در کنار آن شکل گرفت، مفاهیم توسعه پایدار شهری و پروژه شهر سالم نیز تعریف شد و به‌عنوان برنامه مدیریت شهری دستور کار یکی از برنامه‌های سازمان ملل را به خود اختصاص داد. تا قبل از این تاریخ مدیریت شهری حالتی متمرکز داشت (مرکز سیاسی حکومت در پایتخت)، ولی به‌تدریج مفاهیم نوین مدیریت شهری، از شیوه متمرکز به سمت سیستم غیرمتمرکز حرکت کرده و مدیریت شهری، در قالب محلی با افراد بومی همان منطقه، سازمان‌دهی منسجم‌تری به خود گرفته است و در توسعه آن منطقه نقش پررنگ‌تری را ایفا می‌کند. تحقق ملموس یک توسعه پایدار شهری، از طریق مدیریت شهری نظام‌مند و منسجم اتفاق خواهد افتاد؛ به‌گونه‌ای که بتواند بین رشد جمعیت سرسام‌آور شهری و دسترسی آنان به امکانات زیرساختی و اشتغال، توازن مناسبی برقرار کند؛ البته در این بین شاخص‌های بنیادین اقتصادی (اشتغال و رونق) و پیوسته‌هایی مانند انسجام فرهنگی و یکپارچگی اجتماعی و همچنین تخصص حرفه‌ای مدیران و سیاست‌گذاران در این حوزه نقش عمده و بنیادی دارند، به‌گونه‌ای که به‌روشنی می‌توان گفت که این عوامل، در شرایط واقعی، توسعه پایدار و متوازن را به‌صورت عملیاتی ترجمه می‌کنند. ایران به‌عنوان کشور در حال شتاب به سمت توسعه پایدار و تشکیل جامعه مدرن، باید توجه به شاخص‌های بنیادین این هدف (رشد و توسعه پایدار و متوازن شهرهای بزرگ به‌خصوص کلانشهرها) را مورد توجه جدی قرار دهد. چالش‌هایی مانند افزایش روزافزون جمعیت و مهاجرت گسترده به کلانشهرها دارای دو جنبه تهدید و فرصت بوده و اهمیت برنامه‌ریزی را در این حوزه بسیار حیاتی کرده است؛ اگر از دید فرصت بنگریم، این کلانشهرها به لحاظ امکانات انسانی می‌توانند نیاز کشور را از جنبه‌های مختلف برآورده سازند و از جنبه تهدید هم می‌توان به کمبود منابع

طبیعی (زمین، خاک و هوا) اشاره کرد که برای برقراری تعادل بین این شاخص‌ها، باید برنامه توسعه هدفمند شهری در دستور کار تمامی برنامه‌ریزان قرار گیرد تا شهر را با دارا بودن همه مؤلفه‌های توسعه، پایدارتر سازند (۶).

تحقیقات اخیر بر روی شهرها بر شخصیت ناهمگون و چندبخشی شهرها تأکید می‌کند. شهرها دنیاهای بسیاری را در خود دارند. نه تنها یک شهر، بلکه همه شهرها داستان‌های متمایزی برای گفتن دارند. آنها مسیرهای خودشان را دارند. ورزش از عرصه‌هایی است که از راویان متعدد به وجود می‌آید. در ورزش ساکنان شهر آن را زندگی و تجربه می‌کنند، به آن شکل داده و آن را تغییر می‌دهند. ورزش میدانی است که شخصیت فضایی پیچیده شهر آن را باز می‌نماید؛ و ورزش به خودی خود، آزمون فضایی است. در ورزش، ارتباطات جهانی و محلی با یکدیگر اهمیت دارد. ساخت مکان‌های ویژه شهری سبب می‌شود که ورزش محیط شهری را ساختاری جدید دهد؛ و هدف، پیش راندن مرزها در عرصه شهر ورزش است. علاوه بر این، کارشناسان در پی پاسخگویی به این پرسش هستند که چگونه هویت شهری از مسابقات و مکان‌های ورزشی ساخته می‌شود؟ هویت‌های شهری اغلب با نخبگان بومی ساخته می‌شود و با بومی‌گرایی ویژه‌ای به هویت‌سازی مرتبط می‌شود. در همین زمان، ورزش در این بافت‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای تردید دوباره هویت توسط افرادی که خود را حاشیه‌ای می‌دانند، تعریف می‌شود (۷). بر این اساس ورزش، به‌عنوان یکی از فعالیت‌ها و نیازهای مهم در سطح شهر برای شهروندان اهمیت پیدا کرده است، که لازم است به تعریفی از آن توجه شود:

ورزش مصدر فعل ورزیدن به معنی انجام فعالیت و تمرینات حرکتی پیاپی و به کار گماشتن همزمان فکر و جسم برای ارتقای توان روحی و جسمی است. تاریخ ورزش هرگز اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی را از یاد نخواهد برد؛ در این سال‌ها بود که با ایجاد یک گروه اندیشمند (جامعه فلسفی) مطالعه ورزش به صورت تخصصی (فلسفی) آغاز شد و با بررسی چرایی و چگونگی عملی به نام ورزش کردن دوره تازه‌ای از نگرش به پدیده‌ای به نام ورزش رونمایی شد. از دیگر اتفاقات این برهه زمانی می‌توان به تشکیل مؤسسه بین‌المللی فلسفه ورزش و همزمان با آن انتشار روزنامه‌ای با همین عنوان اشاره کرد که در ارتقای فرهنگ ورزش و علاقه مردم به سمت فعالیت ورزشی نقش بسزایی داشت (۸). دانشمندان و محققان مختلف، مدل‌های گوناگونی را در مورد ورزش ارائه کرده‌اند که در ذیل به مشهورترین آنها اشاره می‌شود.

در بین مدل‌های ورزشی، مدل مول^۱ و همکاران، با نگاه ویژه و سلسله‌مراتبی و با تعریف دو دسته از گروه‌های انسانی (شرکت‌کننده و بیننده) و چهار طبقه کلی به نام ورزش پرورشی، ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای مدلی به شکل یک هرم ارائه می‌دهد که در آن میزان گستردگی هر کدام از این ورزش‌ها در آن مشخص شده است، به گونه‌ای که افزایش و کاهش هر کدام از طبقات رأس یا قاعده هرم، با هم رابطه عکس خواهد داشت؛ در این مدل هرمی، بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان مربوط به قاعده هرم است (ورزش پرورشی) و هرچه به سمت رأس هرم نزدیک می‌شویم، از تعداد شرکت‌کنندگان کاسته شده و بر تعداد تماشاچیان افزوده شده است. این مدل مدعی است که هرچه به گسترش ورزش پرورشی و سپس همگانی کمک کنیم، میزان مشارکت عمومی در ورزش به بالاترین سطح می‌رسد و در عوض، در مورد توسعه ورزش حرفه‌ای به عکس اتفاق خواهد افتاد (۹).

براساس بررسی‌های محقق، در متون خارجی، مفهوم ورزش شهروندی به شکلی که در ایران مطرح شده و رواج یافته است، نیست. بلکه از آنجا که طبق بررسی‌های محقق حتی داخل کشور ادبیات نظری مستدلی برای ورزش شهروندی یافت نشد و گاه ادبیات موجود متناقض بود، بنابراین در بررسی متون، محقق سعی در مطالعه و گردآوری منابعی داشت که دارای دو ویژگی باشند: حداکثر نزدیکی و حداقل همپوشانی مفهومی را با مبحث پژوهش داشته باشند و بتوانند در فرایند تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری در حل مسئله راهگشا باشند.

رهبری و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «مقایسه کیفیت زندگی شهروندان بهره‌ور و غیربهره‌ور از اماکن ورزشی شهرداری در مناطق ۱۴گانه شهر اصفهان» به این نتیجه رسیدند که زنان فعال شرکت‌کننده در کلاس‌های ورزشی شهرداری اصفهان وضعیت جسمانی بهتری نسبت به زنان غیرفعال دارند. آنها عنوان کردند که توسعه ورزش در شهرها علاوه بر افزایش سلامت جسمی و روحی شهروندان بر انسجام اجتماعی، حس تعلق به سایر شهروندان و احساس تعلق به جامعه را افزایش می‌دهد و تأثیرات بسیار مثبتی را در اقدامات گروهی برای بهبود محیط زیست شهری فراهم می‌آورد. با توجه به یافته‌های پژوهش رهبری و همکاران می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش و ایجاد سالن‌های ورزشی در مناطق مختلف شهر اصفهان و به‌کارگیری برنامه ورزشی منظم و مداوم از سوی شهروندان می‌توان ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهروندان را افزایش داد (۱).

معمدین، مددی و عباسیان (۱۳۸۸) در تحقیقی به توصیف عوامل گرایش یا عدم گرایش شهروندان به ورزش همگانی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر گرایش جامعه به ورزش‌های همگانی، کسب سلامت جسمی و روانی، پیشگیری از بیماری‌ها و جلوگیری از افزایش وزن است. همچنین عوامل بازدارنده شامل بالا بودن شهریه‌ها و هزینه‌های باشگاه‌ها، داشتن مشغله‌های کاری زیاد، کمبود امکانات ورزشی و عدم امکان انجام ورزش زنان در اماکن عمومی است (۱۰).

بالیش (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «دموکراسی: پیش‌بینی‌کننده مشارکت در ورزش و تفریحات سالم» به این نتیجه رسید که در کشورهایی که میزان مردم‌سالاری در آنها بالاست، میزان مشارکت در ورزش و فعالیت‌های تفریحی نیز بالاست. همچنین نشان داد در کشورهایی که دموکراسی کمی بالاتر از حد متوسط است، میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی بالاست (۱۱). هاویت و اساکر (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «پیامدهای کیفی مشارکت در ورزش و تفریحات فعال بدنی براساس مدل کیفیت خدمات» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین پیامد مشارکت، رضایت‌مندی است که از طریق وفاداری به فعالیت‌های ورزشی و تفریحی به دست می‌آید (۱۲).

فورده^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی در خصوص مدیریت و برنامه‌ریزی فعالیت‌های ورزشی و تفریحی مهاجران در کانادا به این نتیجه رسیدند که چهار اقدام توسط مدیران اماکن ورزشی برای آماده‌سازی در ورود به جامعه جدید وجود دارد که عبارت‌اند از: استفاده از فعالیت‌های اوقات فراغت به‌عنوان رویکردی مشاوره‌ای، برگزاری مسابقات ورزشی، افزایش مشارکت جوامع محلی از طریق ورزش، استفاده از بازاریابی ورزشی با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی (۱۳).

ایمانزاده و گاندوغو^۴ در تحقیق «اثرات ورزش شهروندی توسعه‌یافته در پرستیژ رو به افزایش شهرداری» عنوان کردند که اگر شهرداری‌ها در ارائه خدمات ورزشی به شهروندان موفق عمل کنند، شهروندان نیز می‌توانند به شهرداری‌ها اطمینان کنند و به آن باور داشته باشند. شهرداری‌ها به‌طور غیرمستقیم به ایده‌ها و آرای افراد وابسته‌اند، از این رو سازمانی است که رابطه نزدیکی با نیازها و تقاضاهای افراد دارند (۱۴).

-
1. Balish
 2. Howat and Assaker
 3. Shawn
 4. Gindogdu

امروزه زندگی شهری دچار تغییرات شگرف شده، شهرها توسعه یافته، آپارتمان‌ها و برج‌های بزرگ تولد یافته، اتوبان‌های شهری، پل‌های روگذر و زیرگذر، مترو، اتوبوس‌های تندرو و مراکز تجاری، خدماتی، رفاهی و گردشگری و بسیاری دیگر از این موارد در شهرها، علاوه بر افزایش سرعت و کیفیت ظاهری زندگی و موارد مثبت دیگر، معضلاتی نیز به بار آورده است که از آن جمله می‌توان به آلودگی هوا، ترافیک، تخریب محیط زیست، مسائل فاضلاب و پسماندهای شهری، شلوغ‌تر شدن و ازدحام جمعیت ساکن شهری، درگیری‌ها و نزاع‌های جمعی، مشکلات فرهنگی و فاصله طبقاتی و... اشاره کرد. از این‌رو مدیریت شهری از مهم‌ترین مسائل روز حوزه شهرنشینی است که در جهت مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب اتفاقات تلاش می‌کند و با برنامه‌ریزی درصدد توسعه بهینه شهری و کاهش حداکثری معضلات آن است. در کلانشهر تهران، شهرداری به‌عنوان یک دستگاه خدمت‌رسان، سعی در ارتقای جایگاه و نقشش در مدیریت کلانشهر تهران داشته تا جایی که شعار ارتقا از دستگاه صرفاً خدمت‌رسان به مجموعه‌ای اجتماعی-فرهنگی با افزایش نقش مدیریت محلی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری را مطرح کرده است.

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، محقق در بررسی متون و ادبیات نظری نیز به درک و تعریف درستی از این مفهوم نرسید، چراکه گاه در برخی متون ورزش همگانی و شهروندی را معادل یکدیگر و در برخی متون، ورزش شهروندی را بسیار فراتر از ورزش همگانی و گاه معادل ورزش قهرمانی می‌دانستند. اما نکته مهم‌تر از آن، پسوند شهروندی در ادامه کلمه ورزش، در مفاهیم و تعاریف ذکر شده نقش بسیار کم‌رنگ و کم‌فروغی داشت، درحالی‌که این واژه دنیایی از مفاهیم و مباحث را در دل خود جای داده است. برای محقق این سؤال پیش آمد که چرا واژه شهروندی؟ آیا ورزش همگانی واقعاً می‌تواند متبلور مفهوم شهروندی نیز باشد؟ از طرفی برای ورزش شهروندی، مدلی کامل و جامع در کشور ما، طوری که پاسخگوی نیازهای واقعی شهروندان باشد، طراحی نشده است و همین امر سبب سردرگمی سازمان‌ها و موازی‌کاری‌ها و هزینه‌کردهای گوناگون برای ورزش شهروندان شده که این مسائل و مشکلات خود می‌تواند یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های محقق برای اجرای تحقیق باشد.

با توجه به کثرت و پراکندگی جمعیت و ترکیب آن در کشور و نیاز به فعالیت‌های بدنی و ورزش و نیز جمعیت جوان و علاقه‌مند و مشتاق به ورزش، باید توسعه در ورزش شهروندی کشور متناسب با خواست و نیاز عمومی صورت گیرد که این امر تنها از طریق داشتن نقشه‌های راه و الگوهای دقیق علمی برای توسعه ورزش شهروندی امکان‌پذیر است. به‌صورت کلی می‌توان گفت که برای انجام هر گونه برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه ورزش شهروندی، ابتدا باید عوامل و مؤلفه‌های موجود در آن و روابط بین آنها

را شناسایی کرد و براساس داشته‌ها و وضعیت موجود و شناسایی عوامل مؤثر در توسعه آن به برنامه‌ریزی کلان اقدام کرد. بنابراین، نتایج این تحقیق می‌تواند اطلاعات و دانش بسیار مفیدی را در اختیار دست‌اندرکاران و مسئولان ورزش شهروندی در کلانشهرهای کشور و مدیران شهرداری و کلانشهر تهران قرار دهد؛ به‌گونه‌ای که امید می‌رود بتوان با برنامه‌ریزی صحیح و کاربردی راهی برای ارتقای سطح کلی سلامت جسمانی و روانی مردم کشور از طریق توسعه ورزش شهروندی فراهم آورد. تدوین این مدل در تهران سبب خواهد شد که مبنایی برای تحقیقات آتی ایجاد شود که تا به امروزه به‌صورت مدون و یکپارچه به مفهوم ورزش شهروندی نپرداخته‌اند و همچنین ویژگی اصلی این مدل در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی و بومی کشور در طراحی‌اش است که می‌تواند ویژگی منحصربه‌فردی برای آن باشد. بنابراین مسئله تحقیق حاضر این است که مدل مناسب ورزش شهروندی در کلانشهر تهران کدام است؟

روش‌شناسی

جهت‌گیری پژوهش از نوع بنیادی بود که با هدف کشف مجهولات و پیش بردن مرزهای دانش بشر صورت می‌گیرد. صبغه تحقیق نیز از نوع کیفی بود. تحقیق حاضر دارای دو مرحله بود: مرحله اول، راهبرد داده‌بنیاد برای رسیدن به نظریه و مدل ورزش شهروندی و مرحله دوم رویکرد روش دلفی برای رسیدن به اجماع و توافق گروهی خبرگان بر نظریه و مدل پژوهش. مرحله اول روش استفاده‌شده در این تحقیق، راهبرد داده‌بنیاد بود. هدف پژوهش حاضر نیز اکتشاف مؤلفه‌ها و مدل ورزش شهروندی بود. برای گردآوری داده‌ها در مرحله اول، از شیوه مصاحبه‌های عمیق با طرح سؤالات باز و نیمه‌ساختارمند بهره گرفته شد، به این منظور با ۲۵ نفر از خبرگان مرتبط با ورزش شهروندی مصاحبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از رهیافت ساخت‌گرایانه نظریه داده‌بنیاد بهره گرفته شد. از دیدگاه چارمز، نظریه‌پردازان داده‌بنیاد باید منعطف‌تر به پدیده‌ها بنگرند، به معانی نسبت داده‌شده پژوهشگران به موقعیت‌ها، توجه کنند و نقش مشارکت‌کنندگان در تحقیق و خود پژوهشگر را در نظر بگیرند. وی بیشتر به نظرها، باورها، ارزش‌ها و احساسات مشارکت‌کنندگان توجه دارد تا به گردآوری رخدادها و تشریح اقدامات (۱۵).

چارمز در دیدگاه ساخت‌گرایش سه نوع کدگذاری را عنوان می‌دارد:

1. Constructivist approach
2. Charmaz

کدگذاری اولیه^۱ یا باز،

کدگذاری متمرکز شده^۲،

کدگذاری نظری^۳ (۱۶).

تحقیق حاضر در کلانشهر تهران با شیوه نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله‌برفی به انجام رسید. یک بحث مهم در تحقیقاتی که از راهبرد داده‌بنیاد استفاده می‌کنند، نمونه‌برداری نظری است، که محقق از آن تا رسیدن به اشباع نظری استفاده کرد.

محقق برای حفظ اصول اخلاقی پژوهش و تجزیه و تحلیل همزمان داده‌ها توسط پژوهشگران همکار، به هر کدام از مصاحبه‌شوندگان براساس طرح جدول ۱ کدی اختصاص داد.

جدول ۱. گونه نمونه‌ها و کد اختصاصی شان

ردیف	گونه‌شناسی نمونه‌ها	کد اختصاصی مصاحبه‌شونده
۱	سیاست‌گذاران ورزش شهروندی	P
۲	مدیران ورزش شهرداری	M
۳	اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها	FM
۴	دانشجویان دکتری مدیریت ورزشی	PHD.CO
۵	مربیان ورزش شهروندی	CO
۶	کارشناسان سازمان ورزش شهروندی	EX

پس از پیاده‌سازی متن هر مصاحبه، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی ای نسخه ۱۲ پرو، به روش چارمز، صورت می‌گرفت تا کدهای اولیه، مفاهیم، مقولات، کدهای متمرکز شده و در نهایت کدهای نظری ایجاد شده و مدل اولیه تحقیق استخراج شد. کرسول به منظور اثبات نظریه‌سازی داده‌بنیاد، حساسیت پژوهشگر، انسجام روش‌شناسی، متناسب بودن نمونه و در نهایت گردآوری و تحلیل

1. Initial Coding
2. Rocused Coding
3. Theoretical Coding
4. Theoretical saturation
5. Maxqda 12 pro

همزمان داده‌ها را به‌منظور ممیزی تحقیق کیفی پیشنهاد داد (۱۵)، که محقق هر چهار مورد ذکرشده توسط وی را، برای رسیدن به ممیزی (معادل روایی و پایایی تحقیق کمی) انجام داد.

مرحله دوم پژوهش، رویکرد روش دلفی بود. رویکرد دلفی، روشی است که با پخش پرسشنامه بین متخصصان، دریافت نظریاتشان، بازخورد به اعضای گروه و با حفظ گمنامی مشارکت‌کنندگان، برای رسیدن به اجماع و توافق گروهی، طی چند مرحله اقدام می‌کند (۱۷). محقق، برای تأیید نهایی و افزایش اعتباربخشی به نظریه و مدل ورزش شهروندی در کلانشهر تهران، به‌منظور گردآوری داده‌ها در مرحله دوم کارگروه دلفی متشکل از شش نفر از اعضای هیأت علمی رشته مدیریت ورزشی دانشگاه‌ها (با ویژگی‌های آشنایی با ادبیات پژوهش، آشنایی با روش تحقیق کیفی و راهبرد داده‌بنیاد، دارای تألیفات و مقالات در زمینه ورزش شهروندی و ...) را در طی سه مرحله تشکیل داد. در مرحله اول کارگروه فرم دلفی شامل کلیاتی در مورد ادبیات پژوهش ورزش شهروندی، شرح مراحل، روش کار و مدل برخاسته از پژوهش (البته پس از انجام مراحل ممیزی ذکرشده در بالا)، برای استادان ایمیل شد و با طرح سؤالات باز، خواستار بازخورد و اصلاح و ارائه نظرها توسط ایشان شد. برای جمع‌آوری نظریات مرحله اول خبرگان، محقق با مصاحبه حضوری، سعی در درک نظرها و مفاهیم ذکرشده در پاسخبرگ آنها داشت. گروه محققان، در پایان مرحله اول، اصلاحات و پیشنهادهای ذکرشده خبرگان را در تحقیق و مدل اعمال کرده و به‌منظور تشکیل مرحله دوم پژوهش اقدام به ارسال مدل ورزش شهروندی (اصلاح‌شده پس از مرحله اول)، به کارگروه کرد. محقق سعی در دادن زمان کافی به خبرگان به‌منظور تفکر کامل بر مدل داشت، تا نهایت استفاده را از نظرها، پیشنهادها و افکار استادان مدیریت ورزشی ببرد. شایان ذکر است که محقق، نظریات هر کدام از مشارکت‌کنندگان در کارگروه دلفی را با ثبت در نزد خود و تیم پژوهش، حفظ کرد و سعی شد تا اعضای کارگروه از نظریات یکدیگر در مورد مدل پژوهش بی‌خبر باشند تا دچار سوءگیری نشوند. در نهایت با جمع‌آوری نظریات مرحله دوم ثبت‌شده در فرم مدل پژوهش و با مصاحبه حضوری مجدد، نظرها و موارد ذکرشده توسط مشارکت‌کنندگان با نظریات استادان راهنما و مشاور جمع‌شد و مدل مجدداً بهبود یافت. در نهایت در مرحله سوم با ارائه مدل به مشارکت‌کنندگان در کارگروه دلفی و بازخورد حاصل، مدل و نظریه پژوهش تأیید نهایی شد.

یافته‌ها

مرحله اول: نظریه داده‌بنیاد

کدگذاری اولیه یا باز

کد اولیه: در ابتدا با پیاده‌سازی متن مصاحبه‌های صورت‌گرفته با مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تجزیه و تحلیل خط به خط داده‌ها صورت گرفت و ۸۷۱ کد اولیه از عبارات معنایی استخراج شد. مفهوم: با درک معنایی کدهای اولیه و بررسی همبستگی مفهومی‌شان، در تجمیع صورت‌گرفته ۱۳۸ مفهوم ایجاد شد. در جدول ۲ نمونه‌ای از تشکیل مفاهیم ملاحظه می‌شود.

جدول ۱. گونه نمونه‌ها و کد اختصاصی‌شان

ردیف	گونه‌شناسی نمونه‌ها	کد اختصاصی مصاحبه‌شونده
۱	سیاست‌گذاران ورزش شهروندی	P
۲	مدیران ورزش شهرداری	M
۳	اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها	FM
۴	دانشجویان دکتری مدیریت ورزشی	PHD.CO
۵	مربیان ورزش شهروندی	CO
۶	کارشناسان سازمان ورزش شهروندی	EX

پس از پیاده‌سازی متن هر مصاحبه، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی ای نسخه ۱۲ پرو، به روش چارمز، صورت می‌گرفت تا کدهای اولیه، مفاهیم، مقولات، کدهای متمرکز شده و در نهایت کدهای نظری ایجاد شده و مدل اولیه تحقیق استخراج شد. کرسول به منظور اثبات نظریه‌سازی داده‌بنیاد، حساسیت پژوهشگر، انسجام روش‌شناسی، متناسب بودن نمونه و در نهایت گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها را به منظور ممیزی تحقیق کیفی پیشنهاد داد (۱۵)، که محقق هر چهار مورد ذکر شده توسط وی را، برای رسیدن به ممیزی (معادل روایی و پایایی تحقیق کمی) انجام داد.

مرحله دوم پژوهش، رویکرد روش دلفی بود. رویکرد دلفی، روشی است که با پخش پرسشنامه بین متخصصان، دریافت نظرهایشان، بازخورد به اعضای گروه و با حفظ گمنامی مشارکت‌کنندگان، برای رسیدن به اجماع و توافق گروهی، طی چند مرحله اقدام می‌کند (۱۷). محقق، برای تأیید نهایی و افزایش

اعتباربخشی به نظریه و مدل ورزش شهروندی در کلانشهر تهران، به منظور گردآوری داده‌ها در مرحله دوم کارگروه دلفی متشکل از شش نفر از اعضای هیأت علمی رشته مدیریت ورزشی دانشگاه‌ها (با ویژگی‌های آشنایی با ادبیات پژوهش، آشنایی با روش تحقیق کیفی و راهبرد داده‌بنیاد، دارای تألیفات و مقالات در زمینه ورزش شهروندی و ...) را در طی سه مرحله تشکیل داد. در مرحله اول کارگروه فرم دلفی شامل کلیاتی در مورد ادبیات پژوهش ورزش شهروندی، شرح مراحل، روش کار و مدل برخاسته از پژوهش (البته پس از انجام مراحل ممیزی ذکرشده در بالا)، برای استادان ایمیل شد و با طرح سؤالات باز، خواستار بازخورد و اصلاح و ارائه نظرها توسط ایشان شد. برای جمع‌آوری نظرهای مرحله اول خبرگان، محقق با مصاحبه حضوری، سعی در درک نظرها و مفاهیم ذکرشده در پاسخبرگ آنها داشت. گروه محققان، در پایان مرحله اول، اصلاحات و پیشنهادهای ذکرشده خبرگان را در تحقیق و مدل اعمال کرده و به منظور تشکیل مرحله دوم پژوهش اقدام به ارسال مدل ورزش شهروندی (اصلاح‌شده پس از مرحله اول)، به کارگروه کرد. محقق سعی در دادن زمان کافی به خبرگان به منظور تفکر کامل بر مدل داشت، تا نهایت استفاده را از نظرها، پیشنهادهای و افکار استادان مدیریت ورزشی ببرد. شایان ذکر است که محقق، نظرهای هر کدام از مشارکت‌کنندگان در کارگروه دلفی را با ثبت در نزد خود و تیم پژوهش، حفظ کرد و سعی شد تا اعضای کارگروه از نظرهای یکدیگر در مورد مدل پژوهش بی‌خبر باشند تا دچار سوءگیری نشوند. در نهایت با جمع‌آوری نظرهای مرحله دوم ثبت‌شده در فرم مدل پژوهش و با مصاحبه حضوری مجدد، نظرها و موارد ذکرشده توسط مشارکت‌کنندگان با نظرهای استادان راهنما و مشاور تجمیع شد و مدل مجدداً بهبود یافت. در نهایت در مرحله سوم با ارائه مدل به مشارکت‌کنندگان در کارگروه دلفی و بازخورد حاصل، مدل و نظریه پژوهش تأیید نهایی شد.

یافته‌ها

مرحله اول: نظریه داده‌بنیاد

کدگذاری اولیه یا باز

کد اولیه: در ابتدا با پیاده‌سازی متن مصاحبه‌های صورت‌گرفته با مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تجزیه و تحلیل خط به خط داده‌ها صورت گرفت و ۸۷۱ کد اولیه از عبارات معنایی استخراج شد. مفهوم: با درک معنایی کدهای اولیه و بررسی همبستگی مفهومی‌شان، در تجمیع صورت‌گرفته ۱۳۸ مفهوم ایجاد شد. در جدول ۲ نمونه‌ای از تشکیل مفاهیم ملاحظه می‌شود.

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری خط به خط عبارات معنایی تا تشکیل مفاهیم

منبع	عبارت معنایی	کد اولیه	مفهوم
FM1	فرق نمیکنه؛ وقتی یک اتفاقی میفته شهردار یک مجموعه مدیریت اون شهر رو به دست میگیره دیگه نمیگه کی؟ چی؟ کجا؟ همه میان زیرمجموعه اون قرار میگیرن.	ضرورت ارتقای جایگاه	
M6	حتی مسائل امنیتی‌ش! بالآخره مشاورش میشن، میان کنارش قرار میگیرن و این کار رو میکنن	شهرداری‌ها	مدیریت محلی
M7	سازمان‌هایی که دخیل هستن با شهرداری، سازمان‌های آب و فاضلاب و برق و اینها رو بتونیم هماهنگ کنیم با شهرداری، یعنی با مدیریت شهری چیزی که حالا ما در عمل داریم، الان ما این جدایی رو داریم. حالا شاید تو کشورهای دیگه مدیریت یعنی شهرداری خودش تمام ارگان‌ها زیر نظر شهرداری است یعنی شهرداری قدرت کامله‌ای داره که مثلاً وزارت‌تخونه‌ها زیر نظر اون دارن کار رو انجام میدن.	شهرداری به عنوان یک دولت محلی	
M3	در کشورهای پیشرفته شهرداری حکم یک دولت رو داره. دولت در همه زمین‌ها یک حکومت محلی است	سیاست محله‌محوری	

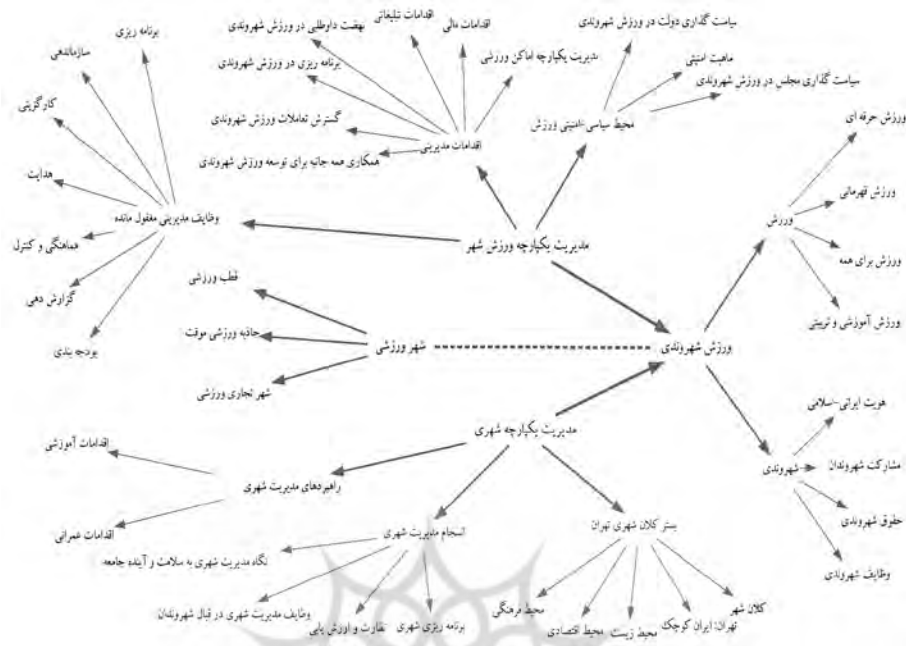
زیرمقوله: با تجزیه و تحلیل مفاهیم، در مجموع ۳۹ زیرمقوله شکل گرفت. مقولات: در نظریه داده‌بنیاد، شالوده تدوین تئوری، مقولات هستند. بدین منظور از بین مفاهیم موجود، ۱۱ مقوله تعیین شد. کدگذاری متمرکز شده با توجه به دیدگاه چامز در توجه به ارزش‌ها، باورها و نظرهای مشارکت‌کنندگان و خود پژوهشگر در شکل‌دهی به روند تحقیق، محققان ۴ کد متمرکز شده را تشکیل دادند که نمونه‌ای از آن را در جدول ۳ ملاحظه می‌کنید.

جدول ۳. نمونه‌ای از چگونگی تشکیل کدهای اولیه تا کدهای متمرکز

کد متمرکز شده	مقولات	زیر مقولات	مفاهیم	کدهای اولیه	فراوانی کدها	
مدیریت یکپارچه ورزش شهر	محیط سیاسی - امنیتی ورزش	ماهیت امنیتی	ایجاد امنیت خاطر	فراهم کردن امنیت برای مشارکت شهروندان در ورزش شهروندی	۸	
			تنش بالای امنیتی خاورمیانه	اولویت مسائل امنیتی نسبت به حقوق شهروندی	۲	
				حضور ایران در منطقه امنیتی خاورمیانه	۱	
	اقدامات مدیریتی	اقدامات مالی	یارانه ورزشی	جذب خیرین برای توسعه اماکن ورزش شهروندی	۲	
				درآمدزایی ورزش شهروندی	اختصاص مالیات شرکت‌های زبان‌رسان به سلامتی به ورزش	۲
					گسترش توریسم ورزشی	۱
					جذب اسپانسر در ورزش شهروندی	۲
	تخصیص بودجه مناسب به ورزش شهروندی			فراهم کردن زمینه مشارکت رایگان اقتدار آسیب‌پذیر در ورزش شهروندی	۶	
					اختصاص یارانه ورزشی به گروه‌های خاص	۲
					افزایش اعتبارات ورزش شهروندی از بودجه شهرداری تهران	۲
			تخصیص اعتبارات دولتی به ورزش شهروندی	۴		

کدهای نظری

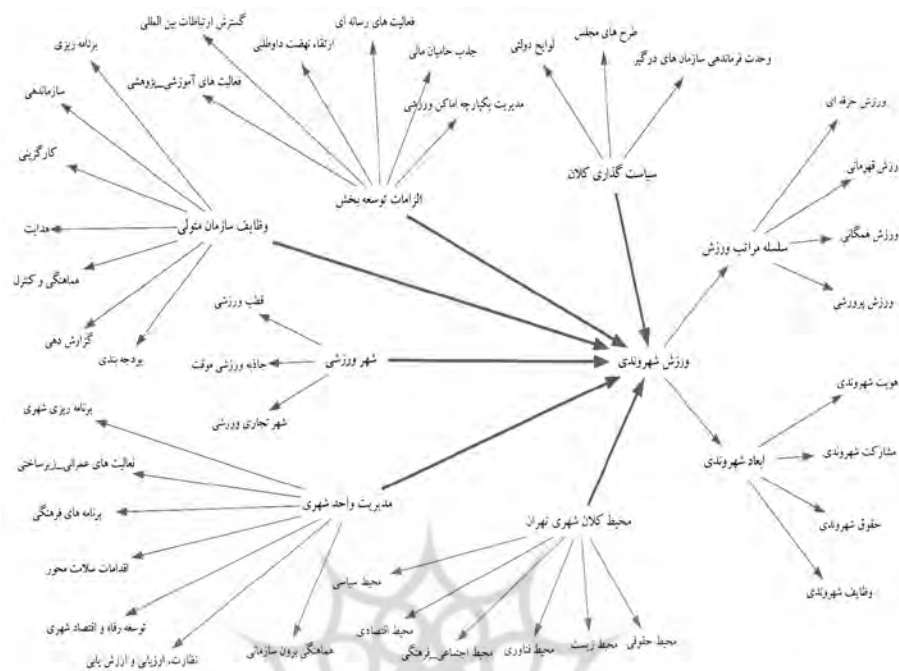
در کدگذاری نظری، نوع روابط بین مقولات و کدهای متمرکز شده با توجه به اصول ذکر شده چامز، مشخص شد و در نهایت مدل و نظریه پژوهش ساخته شد (چهار کد نظری از مقولات تشکیل شد). بدین منظور با توجه به نکات ذکر شده در ممیزی پژوهش و پس از تجزیه و تحلیل و طی فرایند دورانی تحقیق کیفی (از جمله کدگذاری‌های مجدد مقولات از نو، نمونه‌گیری به منظور رسیدن به اشباع نظری و انجام مصاحبه‌های جدید و ...) و ممیزی پژوهش، مدل اولیه پژوهش در شکل ۱ حاضر حاصل شد.



شکل ۱. مدل اولیه ورزش شهروندی در کلانشهر تهران

مرحله دوم پژوهش: تشکیل کارگروه دلفی

مدل ارائه‌شده در شکل ۱ به‌همراه فرم پرسشنامه‌ای با طرح سؤالات باز که ویژگی‌های آن در قسمت قبل شرح داده شد، در طی سه راند در اختیار متخصصان قرار گرفت، بدین‌منظور مدل نهایی و تأییدشده پژوهش در شکل ۲ نشان داده شده است، همچنین تمامی مراحل کار از استخراج کدهای اولیه تا رسم و اصلاح مدل نهایی با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیودی ای نسخه ۱۲ پرو به انجام رسید. شایان ذکر است سعی شد تا از ادبیات نظری موجود، داده‌های تجزیه و تحلیل‌شده حاصل از مصاحبه‌ها و اطلاعات جمع‌آوری‌شده از کارگروه دلفی، برای رسیدن به مدل نهایی تحقیق، هر کدام از طبقات مدل، در صورت امکان منطبق بر نظریه و مدلی شناخته‌شده باشد، یا اینکه براساس نظر خبرگان کارگروه دلفی، مقولات طبقه‌ای تکمیل شده باشد و در غیر این صورت، مقولات هر طبقه برخاسته از دل داده‌ها با مشارکت محقق و براساس ممیزی پژوهش کیفی باشد.



شکل ۲. مدل نهایی ورزش شهروندی در کلانشهر تهران

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر برای رسیدن به هدف تحقیق، تحقیق با روش کیفی و استفاده از راهبرد داده‌بنیاد، همین‌طور رویکرد روش دلفی، مدل ورزش شهروندی با خصوصیات زیر انجام گرفت.

ورزش شهروندی

براساس یافته‌های پژوهش، ورزش شهروندی دارای دو مؤلفه اصلی ورزش و شهروندی است که هر کدام تعاریف خاص خود را دارند. براساس مصاحبه‌های صورت‌گرفته و کارگروه دلفی تشکیل‌شده، ورزش دارای چهار سطح ورزش پرورشی، همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای است که براساس مدل مشهور سلسله‌مراتبی ورزش مول، قرار داده شده است. از طرفی برای شهروندی مفاهیم وظایف، حقوق، مشارکت و هویت شهروندی تعیین شد که براساس مدل مشهور ارائه‌شده توسط دلانتی است (۱۸، ۹). ورزش شهروندی از ملزومات زندگی در کلانشهرهاست. آداب به‌صورت متعاقب افزایش یافته و میزان فعالیت‌های فیزیکی تغییر کرده است. تحرک فیزیکی باید با برنامه فعالیت ورزشی به‌عنوان راه‌حلی عملی برای بی‌تحرکی و

غیرفعالی در نظر گرفته شود. ورزش شهروندی، فعالیت‌های فیزیکی برای پر کردن اوقات فراغت است. انواع ورزش‌ها را می‌توان مشمول ورزش‌های شهروندی کرد (۱۹). گرین^۱ (۲۰۰۷) در تحقیقی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر توسعه ورزش‌های همگانی را ترویج و درونی‌سازی مزایای ورزش همگانی برای شرکت‌کنندگان می‌داند. همچنین بر نقش ورزش همگانی و توسعه آن در پیشرفت ورزش قهرمانی تأکید کرده و آن را پشتوانه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی قلمداد کرده است (۲۰).

متون دانشگاهی در زمینه ورزش، از شهروندی به روش‌های مختلف سخن گفته‌اند؛ از شهروندی به‌عنوان یک وضعیت حقوقی تا روش‌هایی که در آنها شهروندی آموزش داده می‌شود، عمومی می‌شود، مورد بحث قرار می‌گیرد و از طریق ورزش نمادپردازی می‌شوند، یاد شده است. رویدادهای ورزشی مخاطبان انبوهی را جذب می‌کنند و به شکلی اغراق‌آمیز مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد و به‌عنوان سکویی برای سیاستمداران، ورزشکاران یا دیگر شهروندان برای بیان ایده‌های سیاسی‌شان عمل می‌کند. متون دانشگاهی که با ورزش سروکار دارند، یک دیدگاه تاریخی در مورد شهروندی ارائه می‌کنند. برای مثال کانل^۲ نشان می‌دهد که چگونه یونانیان از ورزش برای آموزش شهروندان در قرن چهارم میلادی استفاده کردند. اسپالتز^۳ مشخص می‌کند که چگونه زنان آمریکایی از طریق ورزش در «فعالیت فیزیکی» راه خود را به عرصه عمومی باز کردند تا برای حق رأی خود در اوایل قرن بیستم مبارزه کنند، درحالی‌که کید^۴ نشان می‌دهد ورزش چگونه در اواسط قرن بیستم و در کانادا به‌عنوان آموزش شهروندی مشاهده شد (۴).

حال به برخی تعاریف خبرگان از ورزش شهروندی می‌پردازیم:

"خوب حالا دوستان می‌گویند ورزش همگانی همون ورزش شهروندیه ولی من مخالفم شدیداً مخالفم با این موضوع" (PHD.CO2). "خوب اینکه از دو کلمه تشکیل شده «ورزش» و «شهروند» خوب کاملاً تعریفش معلومه؛ یعنی اینکه ما فعالیت‌های بدنی که انجام بشه برای سلامتی شهروندان باشه و اون فعالیت‌ها، فعالیت‌هایی باشه که خیلی راحت و خیلی آسان در اختیار شهروندان قرار گرفته بشه و هدف اون فعالیت هم نشاط، سلامتی و تندرستی شهروند باشه" (P1). "خوب؛ واقعیت امر این هستش که تعریف واحدی که پذیرفته شده باشه از طرف محققان در رابطه با ورزش شهروندی توی ذهن من نیست و من

1. Green
2. Knnel
3. Schultz
4. Kld

فکر می‌کنم که یک وفاق هم وجود ندارد راجع به ورزش شهروندی. اما اگر بخوایم تجزیه کنیم این مفهومی که شما گفتید؛ ما با دو تا کلمه سروکار داریم؛ یکی ورزش و دیگری شهروندی که هر کدام تعاریف خاص خودشان رو دارن؛ در رابطه با ورزش، ما یک تعریفی که می‌تونیم ارائه بدیم یک بازی سازمان‌یافته هستش که حداقل دو تا طرف دارد و براساس یک انگیزه درونی و بیرونی افراد به رقابت می‌پردازند؛ اما در رابطه با شهروندی یک سری تعاریف وجود داره؛ ما می‌تونیم بگیم که شهروند کسی هستش که مقیم یک فضای جغرافیایی هستش و در اون فضای جغرافیایی براساس آداب، رسوم، هنجارها و قواعد و قوانینی که وجود داره عمل می‌کنه. خب ما اگر بخوایم تعریف کنیم می‌تونیم بگیم که ورزش شهروندی شکلی از ورزش هستش با تعاریف خاص خودش که مقید به یک چارچوب مکانی و جغرافیاییه! پس اون قواعد جغرافیایی، هنجارها و شیوه‌های عملی که وجود داره، یک نهادی رو ایجاد میکنه به اسم ورزش شهروندی و براساس اقتضات جغرافیایی که وجود داره یک سری فعالیت‌ها انجام میشه تحت عنوان ورزش شهروندی؛ حالا میتونه اون تعاریف چهارگانه ورزش رو هم شامل بشه در ورزش شهروندی" (FM3).

سیاست‌گذاری کلان

در پژوهش حاضر سه مقوله طرح‌های مجلس، لوایح دولتی و وحدت فرماندهی سازمان‌های درگیر در ورزش شهروندان در این طبقه قرار داده شد. بالیش^۱ (۲۰۱۷) عنوان می‌دارد در کشورهایی که میزان مردم‌سالاری در آنها بالاست، میزان مشارکت در ورزش و فعالیت‌های تفریحی نیز بالاست. همچنین در کشورهایی که دموکراسی کمی بالاتر از حد متوسط است، میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی زیاد است (۱۱). «تعهد و حمایت سیاسی قوی در تمامی سطوح مدیریتی ورزش، پیش‌نیازی اساسی برای توسعه و تداوم شروع فعالیت بدنی و برنامه‌ها در داخل کشور است. بنابراین لازم است که حمایت‌های لازم از جانب سیاست‌گذاران فراهم شود» (۲۱). بنابراین مهم‌ترین ضرورت و وظیفه سیاست‌گذاران ورزشی، توجه به گسترش ورزش در بین عموم اعضای جوامع محلی است (۲۰) که در این زمینه می‌توان به مصاحبه با یکی از خبرگان اشاره کرد:

«سومین عامل که عوامل محیطی هستن و برمیگرده به سطح کلان سازمان در واقع اون سیاست‌گذاری‌های دولت و مجلس یکی از عواملش هستش برنامه و بودجه‌های سازمان‌های ورزشی که

1. Balish

در واقع باید برنامه و بودجه همخوانی داشته باشد معمولاً همیشه م هست که می‌گن برنامه با بودجه میاد یعنی ما نمیتونیم برنامه‌ای رو تعریف بکنیم ولی بودجه‌اش رو نداشته باشیم» (M3).

الزامات توسعه بخش

طبقه الزامات توسعه بخش شامل مقولات مدیریت یکپارچه اماکن ورزشی، جذب حامیان مالی، فعالیت‌های رسانه‌ای، ارتقای نهضت داوطلبی، گسترش ارتباطات بین‌المللی و در نهایت فعالیت‌های آموزشی-پژوهشی است. بر طبق نظریه تعیین برنامه کاری (۱۹۷۰)، رسانه‌ها می‌توانند بر جامعه تأثیر بگذارند. پس متخصصان رسانه می‌توانند ایده‌های افراد درباره عملکرد سرگرمی را تغییر دهند. برنامه‌های آموزشی به‌روز می‌توانند برای تمرکز بر عناصر اساسی در زمینه‌های مختلف ورزشی در ورزش شهروندی طراحی شوند. هیأت‌های ورزش شهروندی و نظریات متخصصان رسانه و متخصصان ورزش، برای ابتکار در برنامه‌های رسانه‌ها ارائه شده‌اند. ورزش شهروندی ارزشمند است و بنابراین تمام این ملاحظات مهم‌اند (۱۹). فورده و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی در خصوص مدیریت و برنامه‌ریزی فعالیت‌های ورزشی و تفریحی مهاجران در کانادا به این نتیجه رسیدند که چهار اقدام توسط مدیران اماکن ورزشی برای آماده‌سازی در ورود به جامعه جدید وجود دارد که عبارت‌اند از: استفاده از فعالیت‌های اوقات فراغت به‌عنوان رویکردی مشاوره‌ای، برگزاری مسابقات ورزشی، افزایش مشارکت جوامع محلی از طریق ورزش، استفاده از بازاریابی ورزشی با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی (۱۳). همان‌طور که خبرگان حاضر در پژوهش به این موضوعات اشاره داشتند:

«مقوله آخر می‌تونیم در واقع اون تعهد شهروندان و در واقع به مشارکت در ورزش افزایش بدیم، به‌طوری‌که حتی به‌صورت داوطلبانه بتونن در مشارکت‌های شهروندی و بحث ورزش شهروندی دخالت داشته باشند» (M3). «ما بایستی به این سمت و سو بریم که فرهنگ‌سازی بکنیم از طریق تبلیغاتی که داریم از طریق اجرای برنامه‌ها از طریق تشویق و پاداش و حالا هرچی که هست، این فرهنگ در بین جامعه ما به‌وجود بیاد؛ وقتی که به وجود بیاد می‌تونیم بگیم کار ورزش شهروندی رو به‌نحو احسن انجام دادیم؛ ورزش شهروندی خوب به هر حال اگر خوب جا بیفته دیگه اون آقا یا خانمی که می‌خواد ورزش کنه دنبال مجموعه‌های ورزشی نمیگرده» (P4).

وظایف سازمان متولی ورزش شهروندی

1. Media experts
2. Forde

وظایف برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، کارگزینی، هدایت، هماهنگی، گزارش‌دهی و بودجه‌بندی^۱ برای طبقه وظایف سازمان متولی ورزش شهروندی براساس وظایف مدیریتی تعیین‌شده توسط گیولینگ و اوریک^۲ تعیین شد. بنابراین انتظار می‌رود که سازمان متولی ورزش شهروندی وظایف خود را براساس مقولات حاضر، به‌منظور توسعه و بهبود امکان مشارکت شهروندان در اماکن ورزشی سطح شهر به‌نحو احسنت اجرا کند. همان‌طور که کشکر (۱۳۹۴) در تحقیق خود بیان داشت که برای بررسی میزان اثربخشی برنامه‌های تفریحی ورزشی شهروندان، تدوین اهداف در اولویت اول است و تا هدف‌ها روشن و قابل دستیابی و سنجش نباشند، امکان بررسی برنامه‌ها وجود نخواهد داشت (۲۲) که این امر مستلزم انجام وظایف مدیریتی به شیوه صحیح و اصولی است. در این مورد می‌توان به مصاحبه‌های صورت‌گرفته نیز اشاره کرد:

«به‌کارگیری نیروهای مجرب و کسانی که آگاه به مسائل روز هستند» (EX4). «مورد بعدی ناهماهنگی تشکیلات هستش اون تشکیلات و ارگان‌هایی که منطبق هستن بر ورزش شهروندی یک سازمان‌دهی بشن طی برگزاری جلسات کمیته‌ها کارگروه‌هایی که تشکیل میشه تقسیم کار و وظایف واسشون انجام بشه» (M2).

شهر ورزشی

لقب‌گذاری شهرها به ورزش منحصر نمی‌شود. مفاهیمی مانند شهرهای فرهنگی^۳، شهرهای موسیقی^۴، شهرهای سبز^۵ و شهرهای مُد^۶، شکل‌های دیگری از هویت شهری هستند. با اینکه می‌توان استدلال کرد که شهرهای ورزشی فقط یک خط در حال رشد از دسته‌های اعطای جایزه هستند، اما فرهنگ و جهانی‌سازی مشهور، ورزش را به ابزاری جذاب و خاص در فرایند تصویرسازی مجدد شهر تبدیل می‌کند. ممکن است ورزش پا را فراتر بگذارد و ارتباط جهانی را برای شهرها عرضه کند که ممکن است شکل‌های دیگر هویت شهری برای تطبیق‌دهی خود با آن، دچار کشمکش شوند (۲۳). اصطلاح شهر ورزشی لزوماً در سه شکل مختلف به‌کار رفته است: اول به‌عنوان جلب توجه موقت، دوم برای طراحی بخشی از یک شهر به‌عنوان یک منطقه یا قطب ورزشی و در نهایت به‌منظور تجاری‌سازی کل شهر (۲۴). اهداف شهرهای

1. FOSSCORB
2. Gillick & Urwick
3. Cultural city
4. Cities of music
5. Green cities
6. Cities of fashion

ورزشی نیز متغیر است. برای مثال، منچستر از رویکرد شهر ورزشی در راستای رهاسازی شرق منچستر از دوران پس از صنعتی‌سازی بهره برد، ملبورن ورزش را برای پیگیری یک دستور کار از رویدادها به کار گرفت و سنگاپور از ورزش با هدف تشویق فعال عموم جامعه برای شرکت در ورزش و فعالیت فیزیکی سازماندهی شده استفاده کرد (۲۳).

سه نوع شهر ورزشی در دنیا وجود دارد: یک قطب ورزشی، دوم شهری با جاذبه ورزشی موقت و در نهایت شهر تجاری-ورزشی که مقولات این طبقه براساس نظر مشارکت‌کنندگان و ادبیات نظری موجود شناسایی شد. ایندیاناپولیس از ورزش برای تجاری‌سازی مجدد شهر و رشد بخش گردشگری خود استفاده کرده است. سایر شهرهای ایالات متحده مانند بالتیمور^۲ و کلیولند^۱ از لقب شهر ورزشی برای انعکاس تناسب بین ورزش و راهبرد طرح‌ریزی شهری یا به‌عنوان روشی برای قدرت بخشیدن به حق رأی‌های لیگ اصلی استفاده کرده‌اند. استدلال شده است که اصطلاح شهر ورزشی در بریتانیا اغلب برای شناسایی سرمایه‌گذاری عظیم در صنعت ورزش اعمال شده است (۲۳). مقالات مربوط به شهر ورزشی همچنین به ترقی چشمگیر شهرهای ورزشی در کشورهای خلیجی غنی از نفت اشاره می‌کنند که از ورزش نه تنها برای منافع سیاسی و اجتماعی خود، بلکه به‌منظور رفع نیازمندی‌های ویژه بومی استفاده می‌کنند. برای مثال، شهر ورزشی دوبی به‌عنوان یک راهبرد در راستای ارتقای موقعیت بین‌المللی دوبی و در عین حال کاهش وابستگی اقتصادی امارات متحده عربی به تولید نفت ظهور کرد. دوبی به شکل موفقیت‌آمیزی، توسعه دارایی‌های واقعی را با جذب شرکت‌های چندملیتی ترکیب کرد (۲۴). در این میان به نظر یکی از خبرگان می‌توان اشاره کرد: «خب همونطور که خودتون می‌دونید الان خیلی از کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای پیشرفته به‌دنبال این هستن که بتونن مسابقات المپیک، جهانی، مسابقات آسیایی رو بتونن توی کشورهای خودشون برگزار بکنن و حتی یک سری از اسم‌ها و لقب‌هایی رو به شهر هاشون بدن که ما الان با این مقوله به قول معروف داریم دست و پنجه نرم می‌کنیم. به‌عنوان مثال شهر ورزشی که مثلاً کشورهای صاحب‌نام به دنبالش هستن و حتی شهرهای کشورهای صاحب‌نام دنبال این هستن که این نام‌ها رو برای خودشون انتخاب کنند. شهر ورزشی در واقع یه شهری هستش که ورزش شهروندی می‌تونه تو قالب اون شهر ورزشی گنجانده بشه که می‌تونه هم به لحاظ زیرساختی خیلی کمک بکنه توی

1. Indianapolis
2. Baltimore
3. Cleveland

اماکن و به قول معروف تأسیسات هم می‌تونه به لحاظ تجاری کمک بکنه به اون شهر برای بحث درآمدزایی ورزشی از طریق این نوع ورزش‌ها. بحث سوم تجاری‌سازی در ورزش هستش که در واقع می‌تونه ایجاد زیرساخت‌های ورزشی رو توی اون شهر گسترش بده همین‌طور می‌تونه حرفه‌ای کردن باشگاه‌های ورزشی رو به دنبال داشته باشه و می‌تونیم ما از طریق تجاری‌سازی شهر از طریق ورزش می‌تونیم مثل توسعه توریسم ورزشی رو داشته باشیم توی اون شهر همچنین صنعتی‌سازی ورزش هم می‌تونه یکی دیگه از مواردی باشه که توی این حوزه توی شهر ورزشی به ما کمک بکنه» (M3).

مدیریت واحد شهری

در این مدل برنامه‌ریزی شهری، فعالیت‌های عمرانی-زیرساختی، برنامه‌های فرهنگی، اقدامات سلامت‌محور، توسعه رفاه و اقتصاد شهری، نظارت ارزیابی و ارزشیابی و در نهایت هماهنگی برون‌سازمانی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی مدیریت واحد شهری شناخته شد. «توسعه ورزش در شهرها علاوه بر افزایش سلامت جسمی و روحی شهروندان، انسجام اجتماعی، حس تعلق به سایر شهروندان و احساس تعلق به جامعه را افزایش می‌دهد و تأثیرات بسیار مثبتی را در اقدامات گروهی برای بهبود محیط زیست شهری به‌همراه دارد و به‌طور کلی سبب ارتقای کیفیت زندگی می‌شود. بنابراین می‌توان شرکت در کلاس‌های ورزشی مختلف را نیز بر سلامت محیط شهروندان مؤثر دانست. اجتماع سالم کیفیت بالایی از مراقبت را برای حفظ سلامتی شهروندان ایجاد می‌کند، اما به همان اندازه هم از شهروندانی برخوردار است که فعالانه کار می‌کنند، زندگی خود را اداره می‌کنند، به‌راحتی و با امنیت جابه‌جا می‌شوند، به خدمات مختلف شهری دسترسی دارند، از فرصت‌های آموزشی موردنیازشان برخوردارند، از طبیعت و تفریح استفاده می‌کنند، از حمایت‌های دوطرفه اعضای خانواده، دوستان و محل زندگیشان لذت می‌برند و در یک کلام کیفیت زندگی بالایی را تجربه می‌کنند» (۱).

در مصاحبه با فردی خبره (FM3)، ایشان بیان کردند:

«بینید حالا شما یک ویژگی ورزش رو دارید می‌گید؛ مدیریت شهری به همه حوزه‌ها باید بپردازه از جمله بحث ورزش؛ ورزش چه نقشی داره توی شهر؟ ورزش به جهت اینکه سلامت شهروندان رو ارتقا میده، میزان دسترسی به بیماری‌ها رو کاهش میده، فضای روانی یک جامعه رو می‌تونه ارتقا بده از نگاه نوع مثبتش و از همه اینها مهم‌تر به نظر من شادابی رو به جامعه برمی‌گردونه؛ و لذا شما می‌بینید شهرهایی که به حوزه ورزششون اصولی و متناسب، توی نگاه یکسان پرداخته شده، شما مردم رو شاداب‌تر می‌بینید؛ شما همین اتفاقاتی که حالا واقعاً هم زحمت کشیدن توی حوزه مدیریت شهری قبلی (من کاری به فرایند

کارها ندارم)، ولی همین پارک‌های محلی که یک سری ابزار و وسایل گذاشتن، مجموعه‌های ورزشی، سالن‌ها برای خانم‌ها، برای آقایون با قیمت‌های مناسب، چه اتفاقی افتاد؟ اتفاقی که افتاد این بود مردم در کوتاه‌ترین زمان با بهترین امکانات در اختیار. نمی‌خواهم بگویم بهترین امکانات ممکن؛ نه، بهترین امکانات در اختیار تونستند در راستای سلامتی خودشان یه حرکت‌هایی انجام بدن و این رو شما بگیرید به‌عنوان اینکه اگر این در مدیریت شهری اصل قرار بگیره و برای این بودجه متناسب دیده بشه و حتی بیان برن از دخانیاتی که دارن میکشن و مصرف میکنن مالیات بگیرن بیارن این طرف و درست برنامه‌ریزی کنن، در بلندمدت چقدر ما میتونیم مردممون رو سلامت بیشتر بدیم؟ چقدر زن‌های ما الان به دلایل مختلف مثلاً حالت‌های افسردگی دارن؟ قاعدتاً ما بایستی یک سری زیرساخت‌ها رو هم داشته باشیم که بتونیم این بحث رو مطرح کنیم؛ این زیرساخت‌های ما می‌تونه زیرساخت‌های فیزیکی باشه؛ مباحث نوینی که مثل جاده‌های سلامتی و جاده‌های دوچرخه‌سواری و اون لاین‌های خاصی که برای پیاده‌روی‌های جمعی ایجاد شده و در طراحی شهرهای جدید، سازندگان موظف‌اند اینها رو رعایت کنند» (FM3).

محیط کلانشهری تهران

محیط کلانشهر تهران را باید مقولات قرار داده‌شده در این طبقه، مورد توجه قرار داد تا در برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های ورزشی و غیرورزشی شهروندان، تمامی ابعاد را پوشش دهد. بدین منظور محیط سیاسی^۱، فناوری^۲، حقوقی^۳، محیط زیست^۴، محیط اقتصادی^۵ و در نهایت محیط اجتماعی-فرهنگی^۶ شهر تهران در طبقه ذکر شده قرار گرفت که براساس ابزار تجزیه و تحلیل محیط^۷ فرانسویس آگوئیلار^۸ که در سال ۲۰۰۵ در دانشگاه هاروارد توسعه یافت و به تحلیل محیط کلان PESTEL مشهور شد، تعیین شده است (۲۵). بنابراین تا شناخت جامع و کاملی از محیط پیرامون نداشته باشیم، نمی‌توانیم درک صحیحی از مشکلات و تنگناها، و از طرف دیگر، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری داشته باشیم. بر این اساس مشخص می‌شود که تمامی تصمیمات سیاسی، قانونی و حقوقی اتخاذ شده توسط ارگان‌های ملی و شهری بر ورزش شهروندی تأثیر می‌گذارد. از طرفی محیط زیست سالم و پایدار می‌تواند بستر مناسبی را برای انجام ورزش

1. Political
2. Technological
3. Legal
4. Environmental
5. Economical
6. Socio-Cultural
7. PEST
8. Francis Aguilar

در هوای آزاد فراهم کند و عکس آن، یعنی هوای آلوده و ناسالم به خصوص برای اقشار آسیب پذیر از جمله سالمندان منشأ خطرهای فراوانی می شود که با ورزش در محیط های روباز مشکل زاتر می شود. فناوری های نوین امکان بهره مندی هر چه بهتر از تکنولوژی را ایجاد کرده و امروزه با نرم افزارهای بی شمار ورزشی و سلامتی که حتی روی گوشی های هوشمند بسیاری از شهروندان یا ساعت های مچی آنان قرار دارد، این فرصت را برای مدیران ورزشی به منظور به کارگیری آن در مجموعه های ورزشی و الزام مربیان به بهره گیری بهینه از آن برای افزایش کیفیت خدمات، فراهم کرده است. افسانه شهر به عنوان مکانی که در آن ورزش انجام می گیرد، در ترکیب با این تصور که ورزش مبتنی بر شایسته سالاری است، خود منبع مشکل است، زیرا موجب تقویت باور اشتباهی است که می گوید افرادی که ورزش نمی کنند، به انتخاب خود است که این کار را انجام نمی دهند. از این دیدگاه، فرد یا خانواده ای که در هر زمان در دوره های ورزشی شرکت می کند/ نمی کند، خود انتخابی بسته به سبک زندگی اش انجام می دهد، و این گونه نیست که به حاشیه رانده شده یا مجبور به کناره گیری از ورزش به دلیل شرایط ساختاری شده باشد. شرایط ساختاری ای که خود حاصل سیاست گذاری ها و برنامه هایی هستند که در طراحی شان نیازی به تمرکز بر روی مسائل ساختاری احساس نشده است؛ زیرا تصور بر این بوده که افراد به صورت اختیاری از ورزش کناره گرفته اند، در حالی که در حقیقت هرگز فرصتی برای انتخاب کردنشان وجود نداشته است (۲۶).

در نتیجه گیری کلی و براساس یافته های پژوهش می توان ورزش شهروندی را این گونه تعریف کرد: شهروندان جامعه با وظیفه شناسی اجتماعی در دولت محلی دارای حق ورزش در دسترس و فراهم اند، طوری که مبتنی بر آموزش و مشارکت همگانی باشد، با مسابقات محلات و قهرمانی، زمینه استعدادیابی را برای ورزشکاران نخبه و جوان فراهم آورد، و شهروندان ضمن فراهم بودن بستر فعالیت های صنعت ورزش به منظور حرفه ای گری در محیط آن، می توانند آزادانه از هویت شهری و ملی خود دفاع کنند و با انسجام اجتماعی آن را تقویت کنند. بر این اساس ورزش شهروندی، با توجه به مؤلفه ها و ابعادش، در هر چهار سطح ورزش، از آموزشی تا حرفه ای می تواند فعالیت کند. البته با در نظر گرفتن اینکه ورزش حق هر شهروند است و این وظیفه حکومت محلی و ملی است تا با فراهم آوردن زمینه مشارکت شهروندان، نسبت به ارتقای سلامتی و شادابی آنان اقدام کند. حکومت ها می توانند از ورزش شهروندی در جهت هویت بخشی و تقویت هویت شهروندی- ملی و انسجام درونی عموم مردم نهایت بهره را ببرند. از طرفی وظایفی نیز بر عهده شهروندان قرار دارد که ضمن مشارکت در فعالیت های ورزشی شهر و مطالبه بحق گسترش فضاها و امکانات ورزش شهروندی در نواحی و محلات مختلف از مدیران شهری، در جهت رشد و ارتقای

سطح ورزش شهروندی از آموزشی تا حرفه‌ای با همکاری سازمان‌های متولی به‌طور داوطلبانه در فعالیت‌ها و برنامه‌های تدوین‌شده همکاری و مشارکت داشته باشند تا علاوه بر تمام اینها، حفاظت و صیانت از فرهنگ و هویت شهروندی-ملی را صورت دهند.

در نهایت باید گفت شاخص‌های جداسازی ورزش شهروندی از ورزش همگانی نیز به قرار زیر معرفی می‌شود:

- اولاً بنابر نتایج تحقیق حاضر، مقایسه ورزش همگانی با شهروندی، به لحاظ ساختاری اشکال دارد، چراکه ورزش شهروندی دارای دو بعد است که سلسله‌مراتب ورزش یکی از ابعاد آن است. بدین معنا که ورزش شهروندی با وجود اشتراکات و همپوشانی با ورزش همگانی، مفهومی گسترده‌تر از آن در سطح شهر است و در تمامی سطوح سلسله‌مراتب ورزش، فعالیت دارد یا می‌تواند داشته باشد، از ورزش پرورشی گرفته تا همگانی و سطح قهرمانی و حرفه‌ای.

- ثانیاً بعد دیگر ورزش شهروندی، ابعاد شهروندی آن است که توجه به چنین مفهومی در ورزش همگانی چندان صورت نگرفته است؛ یعنی براساس نتایج پژوهش حاضر و مدل دلالتی، شهروندان ضمن اینکه از حقوقی در کشور و شهر برخوردارند، وظایفی نیز دارند. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی و ورزشی و همچنین هویت شهروندی از مؤلفه‌های مهم این بعد است. کمااینکه ذکر شد، ورزش شهروندی می‌تواند با تقویت هویت ملی و شهروندی در انسجام ملی کمک‌رسان مسئولان شهر و کشور باشد و موجب تقویت عرق ملی شود.

- ثالثاً فعالیت‌هایی مانند آموزش و پژوهش، اقدامات مالی، گسترش ارتباطات بین‌المللی، شهر تجاری-ورزشی، میزبانی رویدادهای بزرگ، استعدادیابی، حرکت در جهت صنعت ورزش، بسترسازی برای قهرمان‌پروری، تبلیغات تجاری، فعالیت‌های رقابتی، توسعه نظام آموزشی و ... که برخاسته از دل داده‌های تحقیق حاضرند، ارتباطی با ورزش همگانی نداشته و به هیچ‌یک از ابعاد که مول برای ورزش همگانی برمی‌شمارد، ندارند و می‌توان گفت منحصر به مفهوم ورزش شهروندی است.

در پژوهش حاضر سعی شد تا ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر ورزش شهروندی و مقولات و مفاهیم اصلی آن، مدلی جامع به‌منظور استفاده سازمان‌ها و ارگان‌ها برای فراهم کردن بسترها و امکانات ورزشی برای مشارکت شهروندان تهیه شود. پیشنهاد می‌شود سازمان متولی ورزش شهروندی، با عنایت به مؤلفه‌های شناسایی‌شده در تحقیق حاضر، و با توجه به وظایف شهروندان در قبال شهر (از جمله مشارکت در فعالیت‌هایی که مدیریت شهری برای آنها هزینه کرده)، به‌منظور حفظ حقوق آنان و بهبود هویت

شهروندان تهرانی، تمامی سلسله‌مراتب ورزش را مورد توجه قرار دهند تا توسعه ورزش شهروندی صورت پذیرد.

براساس مدل موجود، توصیه می‌شود که مقولات و مؤلفه‌های ورزش شهروندی به صورت توأمان و همزمان مدنظر قرار گیرد که این امر متضمن ادغام ورزش و شهروندی با ماهیت خود کارکردهایشان از طریق تعریف دقیق آنهاست.

پیشنهاد می‌شود مدیریت شهری تهران، ابتدا با نیازسنجی و امکان‌سنجی منطقه‌ای و با استفاده از تحلیل محیط کلانشهر تهران (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فناوری، حقوقی و محیط زیستی)، ایده تبدیل تهران به شهر ورزشی را به جد پیگیری شده و با توجه به سه نوع شهر ورزشی مطرح‌شده، یک گزینه را انتخاب کند و فعالیت‌های خود را برای بسترسازی و حرکت به سوی هدف، آغاز کند.

با توجه به نتایج حاصل از مدل حاضر، به نظر می‌رسد عدم وحدت فرماندهی به شدت بر فضای ورزش کلانشهر تهران حاکم است. طوری که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان با گلایه از موازی‌کاری با دستگاه‌های دیگر، دلسوزانه نگران هدررفت بودجه و سرمایه ملی و شهری هستند. پیشنهاد می‌شود براساس مدل حاضر و عوامل مؤثر بر ورزش شهروندی و مؤلفه‌ها و مقولات آن، سیاست‌گذاری‌های اصولی در ورزش شهروندی توسط مراجع ذیصلاح انجام گیرد و لایحه ورزش شهروندی در دولت محترم به تصویب برسد و به منظور ارائه به مجلس شورای اسلامی ابلاغ شود.

با توجه به تأکید ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران بر حقوق شهروندی و از طرفی با توجه به اینکه سازمان ملل متحد بر خورداری از امکان ورزش کردن را حق طبیعی هر انسانی محسوب کرده است، متأسفانه در منشور حقوق شهروندی ارائه‌شده توسط دولت محترم، اشاره‌ای به این حق رسمی نشده و به گونه‌ای این جنبه از حقوق شهروندی در این منشور مغفول مانده است. پیشنهاد می‌شود براساس مدل حاضر، ورزش شهروندی به این منشور اضافه شود.

با توجه به بند قبل به منظور سیاست‌گذاری در ورزش شهروندی، موارد زیر به دولت محترم پیشنهاد می‌شود: با مشورت با اعضای شورای اسلامی شهر تهران و ترغیب و متقاعدسازی آنان به فواید ورزش در سطح جامعه، این طرح ابتدا توسط پارلمان شهری تصویب شود و دولت محترم از طریق شورای عالی استان‌های کشور که تحت نظر وزارت کشور است، مدل حاضر را به شور و مشورت بگذارند و پس از اصلاحات احتمالی مورد نیاز آن، به منظور ایجاد وحدت فرماندهی در ورزش شهروندان، شهرداری تهران و سایر شهرها را به عنوان متولی رسمی ورزش شهروندی معرفی کنند و به عنوان لایحه برای تبدیل به

قانون به مجلس شورای اسلامی ارائه دهند. پس از تعیین متولی سازمان ورزش شهروندی، به‌منظور رشد و توسعه ورزش شهروندی پیشنهاد می‌شود این سازمان با تعامل دوسویه با صداوسیما، جراید و همچنین با استفاده از ظرفیت مثبت فضای مجازی، با افزایش فعالیت‌های رسانه‌ای بیشترین تأثیرگذاری را بر ذهن مخاطبان جهت افزایش مشارکت آنان به انجام رساند.

با توسعه و رشد ارتباطات بین‌المللی شهری می‌توان میزبانی مسابقات بزرگ ورزشی را در کلانشهر تهران به‌عهده گرفت و نهایت استفاده را از اماکن ورزشی و نهضت داوطلبی موجود برد و به رشد توریسم ورزشی تهران و ورود ارز به کشور کمک کرد. کما اینکه قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی، تهران تجربه میزبانی بازی‌های المپیک آسیایی را داشته است.

از طرفی با انجام فعالیت‌های بازاریابی و جذب حامیان مالی می‌توان مثل شهرداری‌های برخی کشورهای اروپایی که دارای تیم‌های ورزشی در سطح لیگ‌های حرفه‌ای کشوری و قاره‌شان هستند، با توجه به اینکه ورزش شهروندی از پایین‌ترین سطح ورزش، یعنی سطح آموزشی فعالیت دارد و با توجه به برگزاری همایش‌های ورزش همگانی و مسابقات قهرمانی، در برخی رشته‌ها تیم‌های حرفه‌ای تشکیل داد، چراکه به گفته چندی از مصاحبه‌شوندگان، بسیاری از ورزشکاران ورزش را از سطح آموزشی سالن‌ها و اماکن شهرداری تهران آغاز کرده‌اند و با طی مراحل موفقیت در این سیستم و شرکت در مسابقات قهرمانی محلات، اکنون در تیم‌های حرفه‌ای ارگان‌ها یا شرکت‌های دیگر مشغول به فعالیت هستند. اما برای سایر پژوهشگران علاقه‌مند به این مبحث، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

مدل ورزش شهروندی حاضر در کلانشهر تهران با توجه به تنوع قومیتی و فرهنگی و اقتصادی موجود آن طراحی شد که البته می‌تواند الگویی برای سایر کلانشهرهای کشور باشد. اما محقق ارجح می‌داند تا مدل ورزش شهروندی قبل از ارائه به دستگاه‌های ذی‌ربط، به‌منظور بسط و توسعه مدل حاضر با توجه به اقتضانات سیاسی، قومیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ورزشی هر یک از کلانشهرهای کشور عزیزمان، در سایر کلانشهرها توسط محققان دیگر طراحی شود، سپس با حضور محققان و با استفاده از گروه کانونی و کارگروهی دلفی متشکل از خبرگان، مدل نهایی به‌عنوان مدل ورزش شهروندی کشور به‌منظور ارائه به دستگاه‌های قانون‌گذار تدوین شود. با توجه به اینکه مفهوم شهر ورزشی در ادبیات تحقیق، در منابع خارجی یافت شد و برخی خبرگان مصاحبه‌شونده با آن آشنایی داشتند، اما در منابع داخلی این مفهوم بسیار مهم مورد توجه قابل قبولی قرار نگرفته است. به پژوهشگران ورزشی پیشنهاد می‌شود به‌منظور

درک، توصیف و بومی‌سازی این مفهوم اقدام کنند و با پژوهش‌های کیفی و کمی، آن را بیشتر از پیش وارد ادبیات پژوهشی ورزش کشور کنند.

منابع و مأخذ

1. Rahbari S, Mostahfezian M, Naderyan Jahromi M. [Moghayese Keyfiyate Zendegehi Shahrvandane Faal va Geyrefaal Harekati; Motalee Moredi Amakene Varzeshi Shahrdari Esfahan (in Persian)]. Pzhoheshname Modiriyate Varzeshi va Raftare Harekati. 2017;12(24):215-28.
2. Donnelly P. Sport and human rights. *Sport in society*. 2008;11(4):381-94
3. Patterson TS. Constraints: an integrated viewpoint. *Illuminare*. 2001;7(1):30-8
4. Guschwan M. *Sport and citizenship: introduction*. Taylor & Francis; 2014
5. Ayvazi MR, Babgore SH. [Tahawole Mafhome Shahr Vandani va Zohore Shahr Vandeh Jahani (in Persian)]. *Political Quarterly*. 2013;42(3):187-205
6. Parjozkar A, Firozbakht A. [Chesmandaze Modiriyate Shahri dar Iran ba Ta'akid bar Tosse'e Paydare shahri (Persian)]. *Quarterly Geographical journal of Territory (Sarzamin)* 2012;8(32):43-66
7. Baller S, Cornelissen S. Prologue: sport and the city in Africa. *The International Journal of the History of Sport*. 2011;28(15):2085-97
8. Razavi S, Pasvar M, Taslimi Z. [Tarahi Nezame Jazb va Negahdashte Manabe'e Ensani da Varzeshe Shahr Vandani (Persian)]. In: Municipality T, editor. Tehran: Moasese Tose'e Elm va Fannavariye Sharg; 2013
9. Sazmane TarbiatBadani. [Nezame Jame Tosee Tarbiat badani va Varzeshe Keshvar (in persian)]. Tehran: Sazmane Tarbiat Badani; 2004
10. Motamedin M, Madadi B, Askarein F. [Tosife Awamele Gerayesh ya Adame Gearayesh Shahr Vandane tabrizi be Varzeshe Hameghani(in persian)]. *Research On Sport Sciences*. 2009;6(23):68-98
11. Balish SM. Democracy predicts sport and recreation membership: Insights from 52 countries. *Journal of epidemiology and global health*. 2017;7(1):21-8
12. Howat G, Assaker G. Outcome quality in participant sport and recreation service quality models: Empirical results from public aquatic centres in Australia. *Sport Management Review*. 2016;19(5):520-35
13. Forde SD, Lee DS, Mills C, Frisby W. Moving towards social inclusion: Manager and staff perspectives on an award winning community sport and recreation program for immigrants. *Sport management review*. 2015;18(1):126-38
14. Imanzadeh M, Gündoğdu C. The effect of developed citizen sport in increased prestige of municipality. *International Journal of Sport Studies*. 2014;4(7):789-92
15. Danaeefard H, Alvani SM, Azar A. [Ravesh Shenasi Pazhohesh Keyfi dar Modiryat: Roykardi Jame (in Persian)]. Tehran: Saffar; 2017.
16. Kenny M, Fourie R. Contrasting classic, Straussian, and constructivist Grounded Theory: Methodological and philosophical conflicts. *The Qualitative Report*. 2015;20(8):1270

17. Ahmadi N. [Naghd va Mo'arefiye Raveshe Delfi (Persian)]. Journal of Ketabe mah (Olume Ejtemae'e). 2008;22:95-108
18. Delanty G. Models of citizenship: defining European identity and citizenship. Citizenship studies. 1997;1(3):285-303
19. Moradi M, Honari H, Naghshbandi S, Jabari N, Kholouse P. Social Functions of Mass Media in Developing Citizen Sports. International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences. 2012;2(6):66
20. Green M. Olympic glory or grassroots development?: Sport policy priorities in Australia, Canada and the United Kingdom, 1960–2006. The international journal of the history of sport. 2007;24(7):921-53
21. Saeedi A, Heydari Chorodeh S, Ghadimi B. [Varzesh Hamegani va Shahrvandane Tehrani (Persian)]. Tehran: Jame'e va Farhang PRESS; 2012
22. Keshkar S. Indicator determination and effectiveness measurement of citizen recreational sport programs (Persian)]. Journal of Sport Management and Motor Behavior. 2016;11(22):113-32
23. Pye PN, Toohey K, Cuskelly G. The social benefits in sport city planning: a conceptual framework. Sport in Society. 2015;18(10):1199-221
24. Smith A. The development of "sports-city" zones and their potential value as tourism resources for urban areas. European Planning Studies. 2010;18(3):385-410
25. Yuksel İ. Developing a multi-criteria decision making model for PESTEL analysis. International Journal of Business and Management. 2012;7(24):52
26. Forsyth J. Aboriginal Sport in the City: Implications for Participation, Health, and Policy in Canada. aboriginal policy studies. 2014;3(12)

Developing a Model of Citizenship Sport in Tehran Metropolis using Grounded Theory

Meisam Allahmoradi¹ - Seyed Mohammad Hossein Razavi^{*2}-
Morteza Doosti Pashakolae³

1.PhD, Department of Sport Management, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran 2,3. Associate Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran

(Received: 2019/01/06 ; Accepted: 2019/12/04)

Abstract

The aim of this study was to develop a citizenship sport model in Tehran metropolis. This study was fundamental conducted by a qualitative method in two stages. During the first stage, 25 experts had in-depth interviews using grounded theory. The data were analyzed by Charmaz approach and the primary model was extracted. In the second stage, the model derived from the previous stage was handed out to the Delphi team consisting of 6 sport management experts in 3 phases in order to be checked and confirmed. The results showed that macro policy making, developmental requirements, the role of the organization responsible for citizenship sport, sport city, urban unit management and ultimately the metropolitan environment of Tehran were those factors affecting the citizenship sport. Therefore, it seems that the authorities, policymakers and urban management should understand the real meaning of citizenship sport and identify the factors influencing this type of sport based on the model of this study so that they can lay the groundwork for maximum participation of citizens. Also, they should properly promote culture and media advertising so that they can not only enhance social well-being and cheerfulness, but also strengthen the foundations of urban economy and welfare and turn the Tehran metropolis into a well-known sport city in the region.

Keywords

Citizenship, constructivist approach, Delphi method, grounded theory, sport.

* Corresponding Author: Email: smhrazawi97@gmail.com; Tel: +989108629203